

تبیین معیارهای محتوایی تألیف و تدوین کتابهای درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی

بتول جمالی زواره*
b.jamali@yahoo.com
دکتر احمدرضا نصر**
دکتر محمد آرمند***
محمدرضا نیلی****

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین معیارهای تألیف و تدوین کتابهای درسی رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی از نظر محتوایی است. روش این پژوهش توصیفی - پیمایشی است و جامعه آماری آن صاحب‌نظران برنامه درسی و مؤلفان کتابهای درسی‌اند که با آنان به‌طور نیمه سازمان‌یافته مصاحبه شده است؛ بخش دیگر این جامعه، دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی و دانشجویان سال آخر کارشناسی این رشته‌ها در دانشگاه اصفهان (سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷) هستند که به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند. برای مصاحبه با متخصصان و مؤلفان از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای انتخاب دانشجویان از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی متناسب با حجم استفاده شده است. روش کمی و کیفی، دو روش به‌کار گرفته شده برای جمع‌آوری اطلاعات است. در بخش کیفی از مصاحبه نیمه سازمان‌یافته و در بخش

سخن‌سمت، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۱-۴۹

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۱۹

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

*** عضو هیئت علمی سازمان مطالعه و تدوین «سمت»

**** عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

کمی از پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل سؤالات بسته پاسخ با مقیاس سبک لیکرت و سؤالات چندگزینه‌ای استفاده شده است. به‌منظور برآورد روایی سؤالات پرسش‌نامه و مصاحبه، روایی محتوایی و برای برآورد پایایی سؤالات به سبک لیکرت، روش آلفای کرونباخ به کار گرفته شده است. پایایی پرسش‌نامه ۰/۸۲ برآورد شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه از روش مقوله‌بندی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه از آمار توصیفی و استنباطی و در نرم‌افزار SPSS (نسخه ۱۵) استفاده شده است.

نتایج حاصل از مصاحبه نشان می‌دهد توجه به دانش قبلی، به‌روز بودن (از نظر علمی)، مستند بودن، کاربردی بودن محتوای انتخاب‌شده، مغایرت نداشتن با ارزشها، مبانی فرهنگی و نیازهای جامعه از جمله مواردی است که مصاحبه‌شوندگان در بخش محتوایی به آنها اشاره کرده‌اند. نتایج پرسش‌نامه نشان داد که از نظر دانشجویان باید به ویژگیهای محتوایی کتابهای درسی مطلوب بیش از حد متوسط (۳/۵ از ۵) توجه داشت.

کلید واژه

کتاب درسی دانشگاهی، ویژگیهای کتاب درسی مطلوب، تألیف کتاب درسی، محتوای کتاب درسی.

مقدمه

محتوا مهم‌ترین بخش یک برنامه درسی است، به‌طوری که پوسنر (Postner, 2004, p. 82) معتقد است، برخی از صاحب‌نظران آن را قلب برنامه درسی می‌دانند. همچنین به‌عنوان یکی از جنبه‌های برنامه درسی به معنای عناصر دانش، مهارتها، فرایندها و نگرشهایی است که از طریق تجربیات یادگیری انتخاب و سازماندهی شده، سپس به فراگیران ارائه می‌شود (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵). بنابراین، محتوا حقایق، اصول و مسائلی است که در یک درس خاص گنجانده و معمولاً در قالب کتاب درسی به فراگیران منتقل می‌شود.

محتوای کتاب درسی

محتوای کتاب درسی را می‌توان به دو بخش محتوای علمی یا موضوع درسی و محتوای اجتماعی تقسیم کرد.

الف) محتوای علمی (موضوع درسی)^۱

منظور از محتوای موضوع درسی یا محتوای علمی، مجموعه اطلاعات، آگاهیها و مهارتهایی است که فراگیر باید آن را در یک دوره خاص در زمینه یک موضوع خاص به دست آورد. بنابراین، محتوای علمی علاوه بر دانش و اطلاعات در یک موضوع، مهارتهایی، مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و دیگر مهارتهای کلی را شامل می‌شود.

ب) محتوای اجتماعی

علاوه بر محتوای علمی، محتوای اجتماعی، مجموعه ارزشها و نگرشهایی است که از طریق محتوا انتقال می‌یابد و شامل این موارد است:

۱. نگرشها و ارزشهای متنوع جامعه، مانند مذهب، نژاد، مسائل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی.

۲. در نظر گرفتن ارزشهایی مانند شهروندی، احترام به قانون و تساوی همه نژادها، گروههای مذهبی و جنسیتی.

۳. تأکید بر تقویت ارزشهای معاصر جامعه محلی و ملی.

۴. داشتن رفتاری غیر سوگیرانه^۲ و برابر برای همه گروههای جامعه، شامل گروههای نژادی، مذهبی، منطقه‌ای و جنسیتی، معلولان، گروههای حرفه‌ای، سیاسی و اقتصادی - اجتماعی.

لیونکا (۱۳۸۵، ص ۹۹ و ۱۰۰) رفتار غیر سوگیرانه را صحت سیاسی^۳ می‌داند و معتقد است مخاطبان کتابهای درسی بسیار متنوع‌اند، به طوری که ارزشها و نگرشهای متفاوتی دارند و ممکن است از اقلیتهای قومی، مذهبی و زبانی باشند. از این رو، باید همواره مراقب صحت سیاسی بود. منظور از صحت سیاسی این است که در نوشتن متن کتاب درسی زبانی را به کار برد که اگر خوانندگان آن احیاناً از اعضای اقلیت هستند یا دچار نارساییهای جسمی‌اند، با خواندن کتاب رنجیده‌خاطر نشوند.

لیونکا همچنین رهنمودهایی برای متعادل کردن شرایط فرهنگی و جنسیتی در کتابهای درسی ارائه می‌کند که بدین شرح است:

۱. در بازنمایی اشخاص، اماکن و فعالیتها تعادل برقرار شود تا همه خوانندگان با

1. subject matter content
2. unbiased
3. political correctness

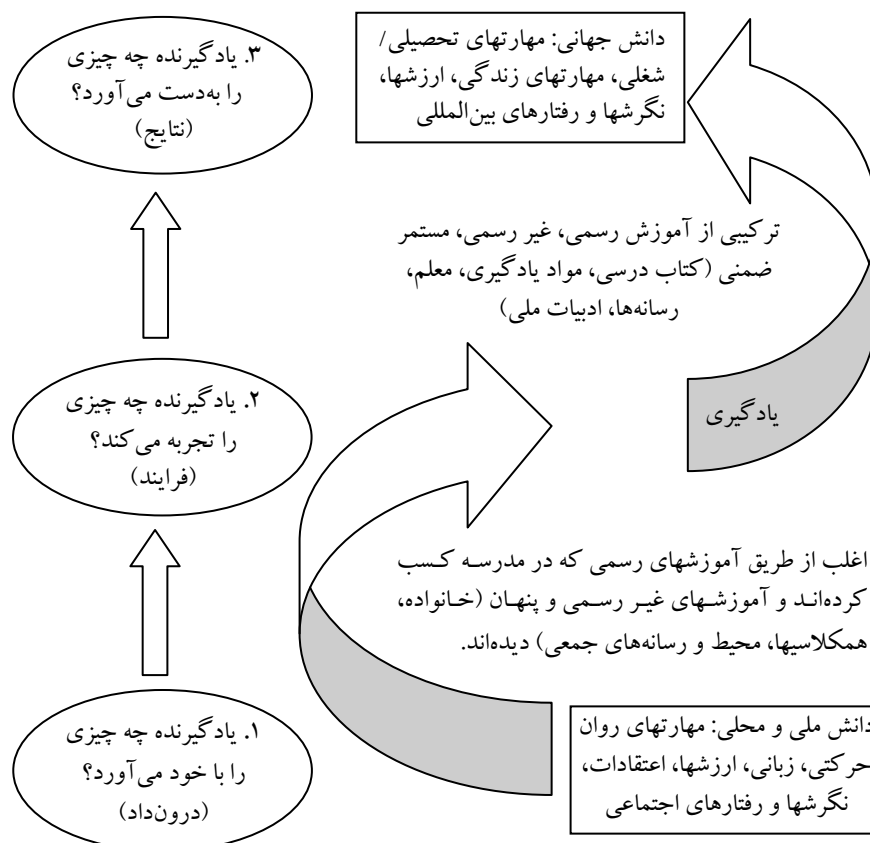
- مثالهای کتاب آشنا باشند.
۲. مثالهایی را باید ارائه کرد که با تجربه قبلی یا انتظارات آینده همه خوانندگان احتمالی کتاب مرتبط باشد.
۳. نام قومیت‌های مختلف و همچنین هر دو جنس مذکر و مونث در مثالها گنجانده شود.
۴. از زبان غیر جنسیت‌گرا استفاده شود؛ این امر در نام‌گذاری شغلی نیز رعایت شود.
۵. تغییر دادن جنسیتها در مثالها، آن‌گونه که پس از مثالی درباره پسران، نامی از دختران برده شود.
۶. از نامها و برجسبهایی که ظاهراً صحیح است برای توصیف مقوله‌ها یا دسته‌های مردم، به‌ویژه نام‌گذاریهای قومی و گروهها و سازمانها استفاده شود.
۷. در مورد کسانی که نارسایی جسمی یا ذهنی دارند، توصیفها باید با عبارت «کسانی که» یا مانند آن آغاز شود.
۸. لفظ افراد یا گروههای «کم‌درآمد» به جای افراد یا گروههای «فقیر» یا «محروم» استفاده شود.

یک شیوه برای ارزیابی رفتار متعادل با گروهها در محتوای اجتماعی کتابهای درسی این است که تعداد بندها یا عکسهایی از مسائل اجتماعی گروهها را در نظر گرفت. البته، باید توجه داشت که تعداد صفحه‌ها نیست که تعادل (عدالت) در رفتار را تعیین می‌کند، بلکه مفهوم آنچه گفته شده است تعیین می‌کند. در مورد تصویرها نیز این مطلب صادق است. هرچند محاسبه تعداد تصویرها بدون تردید، روشی سریع برای تعیین برابری در رفتار است، شاید مهم‌تر این باشد که تصویرها چه چیز را نشان می‌دهند و توضیحات زیرنویس چه می‌گویند (Young & Reigeluth, 1988, p. 22).

نیز باید در نظر داشت که محتوای علمی و اجتماعی بسیار درهم تنیده شده‌اند و تفکیک آنها از هم ممکن نیست. بنابراین، اصول انتخاب محتوا و سازماندهی آن را به‌طور کلی از دیدگاه متخصصان برنامه درسی بررسی می‌کنیم.

اصول انتخاب محتوا و سازماندهی آن

در طراحی و تهیه محتوای مواد آموزشی، به‌خصوص کتابهای درسی برای دوره‌های مختلف تحصیلی، باید منابع مختلفی را مد نظر قرار داد. به عقیده اسمیت (Smith, 2005, p. 2) در تهیه و تولید مواد آموزشی باید به دو منبع توجه کرد؛ یعنی دانش محلی و ملی و نیز دانش جهانی (شکل ۱).



شکل ۱ منابع انتخاب محتوا (اقتباس از: Smith, 2005, p. 14)

طبق نظر اسمیت می‌توان چنین استنباط کرد که فراگیران با مهارت‌ها، نگرشها و ارزشهایی که از طریق جامعه محلی و غیر رسمی کسب کرده‌اند، وارد نظام آموزش رسمی می‌شوند. در این مرحله آنان نیز علاوه بر آموزشهای غیر رسمی به صورت رسمی از طریق برنامه درسی مشخص تحت آموزش قرار می‌گیرند. فراگیران برای زندگی در اجتماع باید به دانش و ارزشهای محلی و ملی مجهز باشند. بنابراین، دانشهای محلی و ملی از منابع مهمی‌اند که باید در انتخاب محتوا از آنها استفاده کرد. اما از آنجا که اجتماع افراد به جامعه محلی و ملی منحصر نمی‌شود و با گسترش وسایل ارتباطی، ارتباطات در سطح بین‌المللی و جهانی به سهولت انجام می‌شود، فراگیران باید به دانش جهانی نیز مجهز باشند

از این رو، دانش جهانی نیز منبع مهم در انتخاب محتوا و با ارزش تلقی می‌شود. پس، فراگیران را باید به گونه‌ای آموزش داد که علاوه بر برخورداری از دانش و ارزشهای ملی و محلی، دانش بین‌المللی و جهانی را هم به دست آورند.

معیارهای تدوین کتابهای درسی دانشگاهی از نظر محتوا

بخش اصلی و مهم کتابهای درسی و وجه تمایز آنها از یکدیگر، محتواست. منظور از محتوا حقایق، اصول و مسائلی است که در درس خاصی گنجانده می‌شود. محتوا به عنوان یکی از جنبه‌های برنامه درسی به معنای عناصر دانش، مهارتها، فرایندها و نگرشهایی است که از طریق تجربیات یادگیری انتخاب و سازماندهی شده، سپس به دانش آموزان ارائه می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵).

محتوای مفید و اثربخش و مندرج در کتابهای درسی - و به طور کلی در دوره‌های آموزشی - محتوایی است که بر مبنای معیارهای مناسب انتخاب شود. صاحب‌نظران، مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی، معیارهای گوناگونی را برای انتخاب محتوا در نظر گرفته‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - لوی معتقد است، برای انتخاب محتوای برنامه درسی از مفهوم ساختار رشته استفاده شده است.

۲ - شواب^۱ برای توصیف ساختار رشته درسی سه مفهوم را توضیح می‌دهد (لوی، ۱۳۷۸):

۱. شیوه‌ای که دانش اندوخته شده در رشته‌های درسی بر آن اساس، سازمان یافته‌اند.

۲. مجموعه مفاهیم اساسی که برای توصیف انواع پدیده‌ها در چهارچوب یک رشته درسی به کار می‌رود.

۳. روش خاص بررسیهای علمی، یعنی مجموعه روشها و قواعد اساسی مختص به یک رشته درسی که در چهارچوب آن رشته شواهد لازم را فراهم می‌کند.

او معیارهای انتخاب محتوا را علاوه بر ساختار رشته درسی و مفاهیم اساسی این گونه می‌داند: محتوا باید با مسائل روز ارتباط داشته باشد؛ پایه‌ای برای آموزش مداوم

باشد؛ میراث فرهنگی را منتقل کند و فرصتهای مناسب برای یادگیری چندگانه باشد (لوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

ملکی (۱۳۸۱) اعتقاد دارد محتوایی که انتخاب می‌شود علاوه بر اهمیت، اعتبار، انعطاف‌پذیری و سودمندی، باید مورد علاقه مخاطب بوده، قابلیت یادگیری به‌وسیله یادگیرنده را داشته باشد.

هیلدا تابا^۱ به‌طور گسترده به بررسی معیارهای انتخاب محتوا و تجربیات یادگیری پرداخته است. او معیارهای انتخاب محتوا و تجربیات یادگیری را چنین برمی‌شمارد: اعتبار و اهمیت، سازگاری با واقعیت‌های اجتماعی، تعادل در وسعت و عمق، تدارک دیدن برای رشته وسیعی از اهداف، قابل یادگیری بودن، قابل انطباق بودن با تجربیات دانش‌آموزان و متناسب با نیازها و علایق آنان (میرزاییگی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

ارنشتاین و هانکینز (Ornstein & Hunkins, 2004, pp. 218-220) به هشت معیار برای انتخاب محتوا اشاره می‌کند: خودکفایی^۲، اهمیت^۳، اعتبار^۴ و روایی، علایق فراگیر^۵، سودمندی،^۶ قابلیت یادگیری،^۷ امکان‌پذیری^۸ و تعادل^۹. آیزنر معیارهای انتخاب محتوا را جذاب بودن،^{۱۰} امکان‌پذیر بودن،^{۱۱} تناسب داشتن با گروه‌های اقلیت و جنسیت، اهمیت عقلایی داشتن،^{۱۲} تناسب داشتن با جمعیت مورد نظر (ویژگیهای رشد) و تجربی بودن محتوا با پیشینه علاقه دانش‌آموزان می‌داند (Eisner, 2002, pp. 201-203).

موسی‌پور (۱۳۸۲، ص ۱۲۰) معیارهای انتخاب محتوا را متناسب با این موارد می‌داند: هدف‌های تعیین شده، نیازها و علایق یادگیرنده، نیازها و موضوعات مهم جامعه، پیشرفت‌های علمی و فناوری، پایه بودن برای یادگیری مستمر و آموزش‌های بعدی، فرصت دادن به انواع فعالیتهای یادگیری، کمک به رشد همه‌جانبه فرد و همخوانی با معرفت دینی.

1. Taba
2. self-sufficiency
3. significance
4. validity
5. interest
6. utility
7. learn ability
8. feasibility
9. balance
10. attractiveness
11. feasibility
12. intellectual significance

- میرزاییگی (۱۳۸۰، ص ۱۹۷-۲۰۱) ملاکهای انتخاب محتوا را در این زمینه‌ها معرفی می‌کند:
۱. توالی. توالی عبارت است از نظم زمانی که طی آن تجربیات آموزشی ارائه می‌شود.
 ۲. تداوم. تداوم به توصیف استمراری می‌پردازد که طی آن یک نوع از تجربیات طی دوره زمانی خاص پیشنهاد می‌شود.
 ۳. وسعت. وسعت گستردگی برنامه درسی است.
 ۴. تعادل. تعادل به توضیح تناسب برنامه درسی و تعیین مقادیر متنوع ولی مناسب با تجربه برای یادگیرندگان در مواقع مشخصی از رشد می‌پردازد.
- از آنچه گفته شد می‌توان معیارهای انتخاب محتوا را در یک دسته‌بندی کلی به سه تناسب محتوا با نیازهای اجتماع، نیاز فراگیر و ساختار دانش تقسیم کرد، که هر یک را می‌توان توضیح داد.

تناسب محتوا با نیازهای اجتماع

محتوایی که انتخاب می‌شوند، باید دارای این ویژگیها باشند:

۱. در نظر داشتن پیشرفتهای علمی - فنی و بین‌المللی. محتوایی که انتخاب می‌شود باید بتواند تحولات علمی، فنی و اجتماعی را در نظر گیرد. بنابراین، محتوای کتابهای درسی نیز باید فراگیران را با بینشها و مهارتهای لازم برای زندگی در دنیای متحول امروزی آماده سازد.
۲. تناسب با نیازهای حال و آینده جامعه. از آنجا که یکی از وظایف آموزش و پرورش، آماده ساختن فراگیران برای زندگی شخصی و اجتماعی با توجه به وضع حال و آینده است، بنابراین، محتوا باید به گونه‌ای انتخاب شود که علاوه بر مفید بودن برای زندگی حال، برای آینده نیز مؤثر باشد (میرلوحی، ۱۳۷۲، ص ۴۸).
۳. تناسب با نیازهای بازار کار. شاید بتوان یکی از معیارهای اساسی انتخاب محتوا را، تناسب با نیازهای بازار کار دانست. از آنجا که این نیازها تحت تأثیر عوامل مختلف در حال تغییرند، بنابراین، محتوایی که انتخاب می‌شود باید در راستای تخصصها و مهارتهایی باشد که جامعه و به خصوص بازار کار به آن نیاز دارد.
۴. تطابق با ویژگیهای فرهنگی جامعه. انتقال میراث فرهنگی به نسلهای بعد در هر جامعه یکی از مهم‌ترین وظایف هر برنامه درسی و به تبع آن محتوای برنامه درسی است.

برنامه‌ریزان و مؤلفان کتابهای درسی باید در انتخاب محتوا، تناسب محتوا را با فرهنگ و تمدن، آداب و رسوم، که زیربنای فرهنگ هر کشور است در نظر گیرند. از ویژگیهای هر فرهنگ تغییر و تحول است. برنامه درسی و محتوای آن باید فرضهای لازم را برای نقد و ارزشیابی و تحلیل مطالب پیش‌بینی کند و آن را در برنامه درسی و محتوای آن بگنجانند.

۵. در نظر داشتن ویژگیهای جنسیتی و اقلیتهای موجود در جامعه. محتوا باید به گونه‌ای انتخاب شود که ضمن به رسمیت شناختن اقلیتهای جامعه، ویژگی و آداب و رسوم آنها را به گروههای اکثریت معرفی کند. همچنین در ارائه مثالها و نمونه‌ها، تعادل را برقرار نماید. این مسئله پذیرفته شده است که کتابهای درسی نقش مهمی در انتقال فرهنگ جامعه به فراگیران دارد؛ بنابراین، نقشهای جنسیتی جنبه بسیار مهمی از فرهنگ هستند (Pandey, 2006, p. 206).

تناسب محتوا با نیاز فراگیر

محتوای انتخاب شده، علاوه بر اینکه نیازهای اجتماعی را در نظر می‌گیرد، باید به علایق و رغبتهای فراگیران توجه کند؛ برای این منظور رعایت اصولی ضروری است:

۱. فراهم کردن زمینه یادگیری مادام‌العمر. یکی از اهداف مهم تحصیل در دانشگاه علاوه بر دانشمندی، عشق به تحقیق، یعنی یافتن حقایق تازه یا به تعبیری تولید دانش است. این امر مستلزم تکاپوی نظری و علمی و جستجوی دائم، مشاهده و تجربه در عالم واقع و رجوع به منابع علمی گوناگون است. در این میان، کتاب یکی از مهم‌ترین آنهاست، به طوری که دانشجو روش یادگیری مادام‌العمر را فرامی‌گیرد (کاردان، ۱۳۸۲، ص ۲۰).
۲. فراهم نمودن فرصت یادگیری چندگانه. بهتر است کتابهای درسی بر انواع فعالیتهای یادگیری، اعم از فعالیتهای کلاس و خارج از آن (یادگیری انفرادی) تأکید داشته باشد. فعالیتهای یادگیری که حواس گوناگون را به کار می‌گیرد، انگیزه و توانایی دانش‌آموزان و دانشجویان را افزایش می‌دهد (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷).
۳. تناسب با میزان علاقه و رغبت فراگیران. یکی از مهم‌ترین عواملی که باید در کلیه فرایندهای آموزش، به‌خصوص در تدوین محتوای کتابهای درسی مورد نظر باشد، علایق فراگیران است. زیرا اگر دانشجو تمایلی به مطالعه نداشته باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند او را به یادگیری وادارد (ستار، ۱۳۸۵، ص ۳۷). خواندن و فهم مطالب به عوامل مختلفی، از جمله تواناییهای زبانی و نگرش فراگیر به متن، و تشابهات فرهنگی با محتوا بستگی دارد. همچنین اگر خواننده احساس کند که متن مورد علاقه او و برای آینده او مفید و معنادار

است، یادگیری آن برایش تسهیل می‌شود (Goranson, 2006, p. 260).
 ۴. تناسب محتوا با زندگی واقعی فراگیر. فراگیر علاقه دارد مطالبی که یاد می‌گیرد آنها را در زندگی به کار بندد. اگر متوجه شود که مطالب درسی تأثیرات شایسته و مفیدی در زندگی دارد، برای یادگیری مشتاق‌تر می‌شود. گمبل و گمبل (Gambel & Gambel, 1983) معتقدند نویسندگان کتاب درسی باید به زندگی واقعی فراگیر توجه کنند، به گونه‌ای که نیازهای او را مبنای انتخاب محتوا قرار دهند.

تناسب محتوا با ساختار دانش

محتوا علاوه بر نیازهای فردی و اجتماعی، باید با ساختار دانش تناسب داشته باشد؛ بدین منظور لازم است محتوای انتخاب شده این ویژگیها را داشته باشد:

۱. تأکید بر مفاهیم اصلی دانش. بنا به عقیده شواب یکی از ملاکهای انتخاب محتوا، ساختار رشته درسی است (لوی، ۱۳۷۸). این ویژگی سه جزء دارد: ۱) مجموعه مفاهیم اساسی برای توصیف انواع پدیده‌ها در چهارچوب یک ماده درسی، ۲) شیوه سازماندهی دانش اندوخته‌شده در رشته‌های درسی و ۳) روش خاص بررسیهای علمی رشته که در یک کتاب درسی باید در نظر گرفته شود.

۲. متنوع بودن مطالب. مطالبی که برای یک کتاب درسی انتخاب می‌شود، باید متنوع باشد. یعنی برای شرح یک موضوع از جنبه‌های گوناگون به آن توجه شود. تنوع در شرح مطالب علاوه بر اینکه باعث یادگیری معنادار در دانشجویان می‌شود، انگیزه یادگیری در آنان را بیشتر می‌کند.

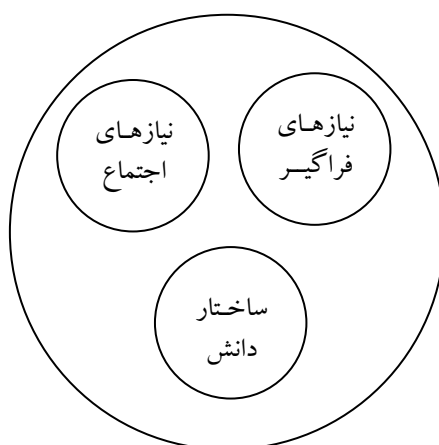
۳. به‌روز بودن مطالب ارائه‌شده. به عقیده قورچیان (۱۳۷۱، ص ۵۹) مدت اعتباربخشی ماده درسی شش سال است. امروزه مشخص شده، زمان لازم برای آنکه نیمی از یافته‌های علمی یک حوزه معرفتی دستخوش تغییر گردد، تقریباً شش سال طول می‌کشد که به نیم عمر اطلاعات مشهور است. به عبارت دیگر، تقریباً هر شش سال یک‌بار نصف اطلاعات هر رشته از رده خارج می‌گردد که پس از انقضای شش سال ماده درسی از اعتبار ساقط می‌گردد؛ بنابراین، مسئولان برنامه درسی موظف‌اند مواد درسی را به‌طور اساسی بازبینی کنند و تغییرات لازم را در آن به‌وجود آورند. البته باید توجه داشت که اصول پایه علوم همواره ثابت است و آنچه تغییر می‌کند روشهاست. با رعایت اصل فوق محتوا از روزآمدی لازم برخوردار می‌شود.

۴. اهمیت داشتن مطالب. محتوایی که انتخاب می‌شود، باید علاوه بر تحقق اهداف آموزشی باعث رشد تواناییها و مهارتهای فراگیران در جنبه‌های شناختی و عاطفی شود.

۵. روا بودن و اعتبار مطلب. ملکی (۱۳۸۱، ص ۱۵۲) معتقد است انفجار اطلاعات در عصر حاضر باعث شده است که محتوا به سرعت صحت و اعتبار خود را از دست بدهد. باید مفاهیمی را برگزید که از نظر علمی صحیح و معتبرند؛ سپس به طور مرتب اعتبار محتوا مورد بررسی قرار بگیرد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای انتخاب محتوای کتابهای درسی باید به هر سه منبع: نیاز جامعه، نیاز فراگیر و ساختار دانش توجه کرد (شکل ۲). بدیهی است محتوا علاوه بر اینکه، به نیازهای اجتماع و ساختار دانش می‌پردازد به علایق و رغبتهای فراگیر اعتبار می‌بخشد؛ زیرا به کارگیری یک منبع و حذف دیگر زیانهای ایجاد می‌کند. برای مثال، محتوایی که فقط بر پایه دانش استوار است، در نظر فراگیران بی‌فایده جلوه خواهد کرد و محتوایی که فقط بر پایه نیازها و علایق فراگیر مبتنی باشد، شکافی عظیم در دانش مورد لزوم جهان امروز ایجاد خواهد کرد. محتوایی که برای در نظر گرفتن نیازهای زمان حال جامعه طراحی شده است موجب تقویت وضعیت موجود فراگیران می‌شود و فرصتهای ایجاد دانش جدید و خلق اندیشه‌های نو را متوقف می‌سازد (سیلور و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

دانش محلی، ملی و جهانی



شکل ۲ معیارها و اصول انتخاب محتوا

گرچه پژوهشهایی در زمینه ویژگیهای کتابهای درسی مطلوب انجام شده، این ویژگیها جداگانه بررسی نشده‌اند. بنابراین، لازم است جنبه‌های محتوایی کتاب درسی مطلوب دانشگاهی به‌عنوان معیاری اساسی در تدوین کتابهای درسی بررسی شود. بدین منظور، پژوهش حاضر به سؤلهایی این گونه پاسخ می‌دهد: از نظر صاحب‌نظران برنامه‌درسی، مؤلفان برتر و دانشجویان، کتابهای درسی مطلوب رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی و مشاوره از «بعد محتوایی» باید چه ویژگیهایی داشته باشند؟

روش تحقیق پژوهش مورد نظر

روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی و از نوع کمی و کیفی (درهم تنیده) است. در بخش کیفی از مصاحبه نیمه سازمان یافته و در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق استفاده شده است. پرسش‌نامه دارای ۱۳ سؤال به سبک لیکرت و یک سؤال چندگزینه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی مؤلفان و متخصصان کتابهای درسی اند که در خصوص معیارهای تدوین کتابهای درسی، به‌صورت فردی، با آنان مصاحبه نیمه سازمان یافته شده است؛ تعداد شرکت‌کنندگان در مصاحبه پنج نفر بوده است.^۱ در بخش کمی، جامعه آماری کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه اصفهان و همچنین دانشجویان سال آخر کارشناسی رشته‌های مذکور این دانشگاه اند. جمع دانشجویان سال آخر کارشناسی ۲۲۶ نفر و دانشجویان کارشناسی ارشد ۱۹۰ نفر است. براساس فرمول حجم نمونه و براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، ۲۲۵ نفر انتخاب و پرسش‌نامه بین آنان توزیع شد.

از نظر ویژگیهای جمعیت‌شناختی، ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان در این پژوهش زن و ۱۵ درصد مرد هستند. از لحاظ رشته تحصیلی، ۳۶ درصد دانشجوی رشته علوم تربیتی، ۳۳ درصد دانشجوی مشاوره و ۳۱ درصد دانشجوی روان‌شناسی اند. از لحاظ مقطع تحصیلی، ۶۸ درصد دانشجویان در دوره کارشناسی و ۳۲ درصد در دوره کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند. همچنین ۴۳ درصد دانشجویان در نوبت اول سال تحصیلی و ۵۵ درصد در نوبت

► البته تعداد بیشتری برای انجام مصاحبه مد نظر بودند؛ اقدامات لازم نیز اتخاذ شد، ولی پژوهشگران تنها موفق به مصاحبه با ۵ نفر شدند.

دوم سال تحصیلی هستند؛ البته ۲ درصد دانشجویان نوبت تحصیلی خود را مشخص نکرده‌اند. سرانجام، ۸ درصد دانشجویان، معدل بین ۱۲ تا ۱۳/۹۹، ۲۷ درصد معدل بین ۱۴ تا ۱۵/۹۹ و ۵۹ درصد معدل ۱۶ و بالاتر داشته‌اند.

برای بررسی روایی سؤالهای مصاحبه‌ای و پرسش‌نامه‌ای از روش روایی محتوا استفاده شده است. پایایی پرسش‌نامه (سؤالهای به سبک لیکرت) از طریق روش آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۲ برآورد شده است. در این پژوهش، به منظور بررسی اطلاعات حاصل از مصاحبه، از مقوله‌بندی و برای پرسش‌نامه، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی، با شاخصهای آماری، فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، اطلاعات تجزیه و تحلیل شده است. در سطح آمار استنباطی برای سؤالهای سبک لیکرت، آزمون T تک متغیره یا تک نمونه‌ای، T وابسته، تحلیل واریانس (آنوا)^۱، و برای سؤالهای چندگزینه‌ای آزمون خی ۲ اجرا شده است.

یافته‌های پژوهشی

برای بررسی ویژگیهای محتوایی کتابهای درسی مطلوب دانشگاهی در رشته علوم تربیتی، ۱۳ سؤال به سبک لیکرت و یک سؤال چندگزینه‌ای و در رشته روان‌شناسی و مشاوره، ۱۱ سؤال به سبک لیکرت و ۳ سؤال چندگزینه‌ای تهیه شده است. در هر بخش، ابتدا یافته‌های حاصل از مصاحبه، سپس سؤالات سبک لیکرت و در پایان سؤالات چندگزینه‌ای بررسی می‌شود.

۱. یافته‌های حاصل از مصاحبه

در بخش کیفی، مصاحبه‌شوندگان معیارهای متعددی را در نظر گرفتند. یکی از آنان تأکید کرد که محتوا باید در ذهن خواننده چالش ایجاد کند و دیگری به دانش قبلی و پیش‌زمینه در انتخاب مطالب توجه کرد. موارد دیگر، مانند به‌روز بودن (از نظر علمی)، مستند بودن، کاربردی بودن محتوای انتخاب‌شده، مغایرت نداشتن با ارزشها، مبانی فرهنگی و نیازهای جامعه مواردی‌اند که مصاحبه‌شوندگان در بخش محتوایی به آنها اشاره کردند.

۲. داده‌های حاصل از سؤالهای به سبک لیکرت

جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ به سؤالهای حیطة ویژگیهای محتوایی کتاب درسی مطلوب دانشگاهی

انحراف معیار	میانگین	گزینه‌های زیاد	بدون نظر	بسیار کم	کم	تا حدی	زیاد	بسیار زیاد	مقیاس	
									معیار	
۰/۰۶	۴/۲۲	۱۸۳	۱	۳	۳	۳۵	۷۸	*۱۰۵	۱. استفاده از مطالب متنوع برای شرح مطالب	
		۸۱/۴	۰/۴	۱/۳	۱/۳	۱۵/۶	۳۴/۷	۴۶/۷		
۰/۰۴۹	۴/۴۹	۲۰۵	۰	۲	۲	۱۶	۶۷	۱۳۸	۲. تناسب مطالب با پیشرفتهای علمی ملی و بین‌المللی	
		۹۲/۹	۰	۰/۹	۰/۹	۷/۱	۲۹/۸	۶۱/۳		
۰/۰۴۳	۴/۵۷	۲۰۹	۰	۰	۲	۱۴	۶۱	۱۴۸	۳. تناسب مطالب با نیازهای دانشجویان	
		۹۲/۹	۰	۰	۰/۹	۶/۲	۳۷/۱	۶۵/۸		
۰/۰۴۹	۴/۴۵	۲۰۷	۱	۰	۳	۱۴	۸۰	۱۲۷	۴. تناسب مطالب با نیازهای اجتماع	
		۹۰/۲	۰/۴	۰	۱/۳	۶/۲	۳۵/۶	۵۶/۴		
۰/۰۴۹	۴/۴۷	۲۰۳	۱	۰	۱	۲۰	۷۰	۱۳۳	۵. تناسب مطالب و موضوعات با نیازهای بازار کار	
		۸۷/۲	۰/۴	۰	۰/۴	۸/۶	۳۱/۱	۵۶/۱		
۰/۰۴۸	۴/۴۴	۱۹۵	۰	۰	۱	۲۹	۶۳	۱۳۲	۶. تناسب مطالب با یادگیریه‌ها و تجارب قبلی دانشجویان	
		۸۶/۷	۰	۰	۰/۴	۱۲/۹	۲۸	۵۸/۷		
۰/۰۶۲	۴/۲	۱۸۴	۱	۵	۳	۳۲	۸۱	۱۰۳	۷. تناسب مطالب ارائه‌شده با ویژگیهای فرهنگی جامعه	
		۸۱/۸	۰/۴	۲/۲	۱/۳	۱۴/۲	۳۶	۴۵/۸		
۰/۰۶۴	۴/۱۲	۱۷۷	۳	۲	۴	۳۹	۸۵	۹۲	۸. ارائه مثالها و نمونه‌ها، به‌طور متعادل دربارهٔ زنان و مردان	
		۷۸/۷	۱/۳	۰/۹	۱/۸	۱۷/۳	۳۷/۸	۴۰/۹		
۰/۰۷	۳/۷۸	۱۵۰	۴	۵	۹	۵۷	۹۲	۵۸	۹. در نظر گرفتن تناسب جمعیتی اقلیتهای قومی و مذهبی در ارائه مطالب و مثالها	
		۶۶/۷	۱/۸	۲/۲	۴	۲۵/۳	۴۰/۹	۲۵/۸		
۰/۰۶۹	۴/۰۶	۱۶۸	۴	۲	۶	۴۵	۷۵	۹۳	۱۰. ارتباط مطالب کتاب با سایر دروس رشتهٔ تحصیلی	
		۷۴/۶	۱/۸	۰/۹	۲/۷	۲۰	۳۳/۳	۴۱/۳		

ادامه جدول ۱

انحراف معیار	میانگین	گزینه‌های زیاد	بدون نظر	بسیار کم	کم	نا حدی	زیاد	بسیار زیاد	مقیاس	معیار
۰/۰۶	۴/۲	۱۸۸	۳	۱	۳	۳۰	۹۱	۹۷	۱۱. تناسب مطالب ارائه شده با زمان یادگیری برای هر درس	
		۸۳/۵	۱/۳	۰/۴	۱/۳	۱۳/۳	۴۰/۴	۴۳/۱		
۰/۰۵	۴/۱۳	۱۹۱	۱	۱	۲	۳۰	۷۹	۱۱۲	۱۲. جامعیت محتوای کتاب با توجه به اهداف کلی و سرفصلهای درس	
		۸۴/۹	۰/۴	۰/۴	۰/۹	۱۳/۳	۳۵/۱	۴۹/۸		
۱/۲۱	۳/۸	۱۴۸	۵	۹	۱۲	۵۱	۷۱	۷۷	۱۳. انتقال میراث فرهنگی جامعه به دانشجویان	
		۶۵/۸	۲/۲	۴	۵/۳	۲۲/۷	۳۱/۶	۳۴/۲		

* اعداد ردیف اول فراوانی و اعداد ردیف دوم درصد است.

براساس یافته‌های جدول ۱، بیشترین میانگین مربوط به معیار «تناسب مطالب با نیازهای دانشجویان»، یعنی ۴/۵۷ و کم‌ترین میانگین مربوط به معیار «تناسب جمعیتی اقلیتهای قومی و مذهبی در ارائه مطالب» یعنی ۳/۷۸ است.

نظر دانشجویان براساس ویژگیهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که براساس جنس، در معیارهای «تناسب مطالب با نیازهای دانشجویان» و «تناسب مطالب با نیازهای اجتماع» متفاوت بوده است. در این معیارها میانگین دانشجویان زن بالاتر از میانگین دانشجویان مرد بوده است.

نظر دانشجویان براساس رشته تحصیلی در مورد معیار، «تناسب مطالب با نیازهای اجتماع»، «تناسب مطالب و موضوعات با نیازهای بازار کار»، «تناسب مطالب ارائه شده با ویژگیهای فرهنگی جامعه»، «تناسب مطالب ارائه شده با زمان یادگیری برای هر درس» و «جامعیت محتوای کتاب با توجه به اهداف کلی و سرفصلهای درس» متفاوت بوده است. دانشجویان علوم تربیتی بالاترین میانگین را در معیارهای «تناسب مطالب با نیازهای اجتماع» و «جامعیت محتوای کتاب با توجه به اهداف کلی و سرفصلهای درس»، داشته‌اند. در معیار «تناسب مطالب با نیازهای بازار کار» دانشجویان مشاوره، بالاترین میانگین را داشته‌اند. در معیار «تناسب مطالب ارائه شده با ویژگیهای فرهنگی جامعه»، کمترین میانگین مربوط

به دانشجویان روان‌شناسی بوده است. در معیار «تناسب مطالب ارائه شده با زمان یادگیری برای هر درس»، بالاترین میانگین مربوط به دانشجویان مشاوره است. بین نظر دانشجویان براساس نوبت تحصیلی در مورد معیار «تناسب مطالب با نیازهای دانشجویان»، تفاوت معنادار وجود داشته است. در معیار «تناسب مطالب با نیازهای دانشجویان»، بالاترین میانگین مربوط به دانشجویانی است که معدل ۱۶ به بالا داشته‌اند.

جدول ۲ مقایسه نمره‌های ویژگی‌های محتوایی کتاب درسی مطلوب با میانگین فرضی ۳/۵

sig	T	SE	SD	M
۰/۰۰	۲۱/۸۱	۰/۳۰	۰/۵۱	۴/۲۴

براساس یافته‌های جدول ۲، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $P \leq ۰/۰۵$ بزرگ‌تر است. بنابراین، از نظر دانشجویان ویژگی‌های محتوایی کتابهای درسی باید بیش از حد متوسط تعیین شده (۳/۵) مورد توجه قرار گیرد.

۳. سؤالات چندگزینه‌ای

جدول ۳ نتایج بررسی نظرات دانشجویان درباره اولویت‌های تدوین مطالب در کتابهای درسی مطلوب دانشگاهی

سؤال	گزینه‌ها	نیازهای دانشجویان	نیازهای جامعه	دانش تخصصی	نیازهای بازار کار	سایر موارد
۱۴. در تدوین مطالب درسی کدام یک از نیازها اولویت دارد؟	۵۳*	۲۳/۶	۱۷/۸	۲۹/۲	۱۵/۶	۱۶/۸

* اعداد ردیف اول فراوانی و اعداد ردیف دوم درصد است.

با توجه به نتایج جدول ۳، ۲۹/۲ درصد دانشجویان معتقدند که در تدوین مطالب، «دانش تخصصی» و ۲۳/۶ درصد، «نیازهای دانشجویان» اولویت دارد. براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین نظر دانشجویان شرکت کننده در این پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵، بر مبنای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، و معدل تفاوت معناداری

وجود دارد. براساس رشته تحصیلی، دانشجویان علوم تربیتی بیشتر نیازهای جامعه را مهم دانسته‌اند، در حالی که دانشجویان روان‌شناسی دانش تخصصی و دانشجویان مشاوره نیازهای جامعه و دانش تخصصی را به یک نسبت مهم دانسته‌اند. با توجه به مقطع تحصیلی، دانشجویان کارشناسی اولویت را به نیازهای دانشجویان داده‌اند، در حالی که دانشجویان ارشد دانش تخصصی را مهم دانسته‌اند. براساس معدل، دانشجویان با معدل ۱۶ به بالا به دانش تخصصی اولویت داده‌اند، در حالی که نظرات سایر دانشجویان بسیار پراکنده است.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که صاحب‌نظران توجه به ویژگیهای محتوایی از جمله توجه به دانش فراگیران، به‌روز بودن (از نظر علمی)، مستند بودن، کاربردی بودن محتوای انتخاب‌شده، مغایرت نداشتن با ارزشها، مبانی فرهنگی و نیازهای جامعه را از مهم‌ترین معیارهای تدوین کتاب درسی مطلوب در نظر می‌گرفتند.

به نظر دانشجویان نیز، ویژگیهای محتوایی در کتابهای درسی مطلوب دانشگاهی که در جدول ۲ آمد، باید از متوسط تعیین شده (۳/۵) بالاتر باشد. دانشجویان معتقدند در تدوین محتوا باید به نیازهای دانشجویان و نیازهای بازار کار توجه داشت. همچنین مطالب درسی باید با پیشرفتهای علمی، ملی و بین‌المللی تناسب داشته باشد. همخوان با این پژوهش، کاردان (۱۳۸۲) معتقد است چون دانشها، دائماً واقعیت‌های تازه‌ای را کشف می‌کنند و یا روشهای پژوهشی جدیدی را به کار می‌برند، برای هماهنگی با این تحولات، کتابهای درسی باید هر چند سال یک‌بار بازنگری و تصحیح شوند.

در سؤالهای چندگزینه‌ای نیز مشخص شد که ۲۹/۲ درصد دانشجویان معتقدند در تدوین مطالب، «دانش تخصصی» باید مد نظر باشد، در حالی که تنها ۲۳/۶ درصد آنان، «نیازهای دانشجویان» را دارای اولویت دانسته‌اند. از آنجا که پاسخ دانشجویان در پاسخ به این سؤال بسیار پراکنده است می‌توان نتیجه گرفت که در تدوین مطالب، همان‌طور که متخصصان برنامه‌ریزی درسی توجه به همه این عوامل را مهم دانسته‌اند، بنابراین، در تدوین مطالب درسی باید به تمام عوامل دانش تخصصی، نیازهای اجتماع، نیازهای دانشجویان و نیازهای بازار کار توجه کرد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و اینکه توجه به ویژگیهای محتوایی معیار بسیار مهم در مطلوب بودن کتابهای درسی است، باید معیارهای تألیف و تدوین کتابهای درسی

از نظر متخصصان و مخاطبان برای مقاطع مختلف تحصیلی و رشته‌های مختلف، در بعد محتوایی بررسی و اصول اساسی آن براساس رشته و مقطع تحصیلی استخراج شود. همچنین، این معیارها به صورت مدوّن و استاندارد در اختیار مؤلفان و ناشران کتابهای درسی قرار گیرد و کتابهای درسی براساس این ویژگیها تألیف و تدوین شوند. در تألیف و تدوین کتاب درسی، علاوه بر متخصص موضوع درسی، افرادی دیگر مانند برنامه‌ریزان درسی و متخصصان محتوا، به خصوص روان‌شناسان، مشارکت کنند و تألیف کتاب درسی از فعالیتی فردی به گروهی تبدیل شود.

منابع

- آقایی فیشایی، تیمور (۱۳۷۷)، *خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها*، تهران: ترمه.
- ستار، آزیتا (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه میان نیازها و علائق دانشجویان با یادگیری مطالب کتابهای درسی دانشگاهی»، *کتاب درسی دانشگاهی (۱): ویژگیها و ساختارها*، تهران: سمت.
- سیلور، جی. گالن، الکساندر، ویلیام ام. لوئیس و آرتور جی (۱۳۷۸)، *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، مشهد: شرکت به‌نشر.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران: اسرار دانش.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۱)، «گامی در مسیر انتخاب محتوا در حوزه تخصصی برنامه درسی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳۳، ص ۳۷-۶۳.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲)، «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگیهای آن»، *فصلنامه سخن سمت*، شماره ۱۰، ص ۱۳-۲۰.
- لیونکا، مری آلن (۱۳۸۵)، *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*، تهران: سمت.
- لوی، اریه (۱۳۷۸)، *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی مدارس*، ترجمه فریده مشایخ، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه.
- ملکی، حسن (۱۳۸۱)، *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*، مشهد: پیام اندیشه.
- موسی پور، نعمت‌ا... (۱۳۸۲)، *مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرزاییگی، علی (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی نیروی انسانی*، تهران: یسپرون.
- میرلوحی، سیدحسین (۱۳۷۲)، «در جستجوی معیارهایی برای انتخاب محتوا»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳۰، ص ۳۶-۵۸.
- Burns, R. (1995), *The Adult Learning at Work*, Sydney: Business and Professional Publishing.
- Chan, J. and J. C. Chan (2002), "QFD-based technical textbook evaluation procedure a case study", *Journal of Industrial Technology*, 18(1), 2-8.

- Eisner, E. (2002), *The Educational Imagination: On The Design and Evaluation of School Programs*: Upper Saddle River, N. J: Prentice-Hall.
- Gamble, M. W. and T. K. Gamble (1983), *Textbook Development*, Eric. Edu.
- Goranson, A. I. (2006), "The Textbook or Firewall Between Practitioner and Theorists in Vocational Training", *Caught in the Web or Lost in the Textbook?*, STEF, IARTEM, IUFM de Basse-Normandie, Paris: Jouve.
- Ornstein, A. C. and F. D. Hunkins (2004), *Curriculum: Foundation, Principles and Issues*, Allyn and Bacon.
- Pandey, K. (2006), "Gender Issues and Indian Textbook Committee", *Caught in the Web or Lost in the Textbook?*, STEF, IARTEM, IUFM de Basse-Normandie, Paris: Jouve.
- Postner, G. J. (2004), *Analyzing the Curriculum*, Boston: McGraw Hill.
- Smith, P. (2005), *A Comprehensive Strategy for Textbooks and Learning Materials*, Paris: UNESCO.
- Young, M. J. & C. m. Reigeluth (1988), *Improving the Textbook Selection Process*, Phi Delta Kappa Educational Foundation Bloomington, Indiana.